

ماريو بارگاس يوسا

روزگار سخت

ترجمه از اسپانيايي: مهدي سرائي

المی

بیما

مقدمه‌ی مترجم

زاوالیتا، شخصیت اصلی رمان ماریو بارگاس یوسا، گفت‌وگو در کاتدرال، در آغاز کتاب به‌هنگام خروج از دفتر روزنامه‌ی لا کرونیکا، از خود می‌پرسد «دقیقاً در کدام لحظه پرو خود را به گا... داده بود؟»^۱ یوسا در این کتاب که بیش از هفتاد شخصیت دارد به حکومت دیکتاتوری مانوئل اودریا و نتایج به‌جامانده از آن در جامعه‌ی پرو پرداخته و آثار چنین حکومتی را بر طبقات فرودست و فرادست جامعه به‌تصویر کشیده است. اما این نویسنده‌ی پرویی، با گذشت پنجاه سال از انتشار پیچیده‌ترین اثرش از نوع روایت، در تازه‌ترین اثر خود به نام روزگار سخت، که اواخر سال ۲۰۱۹ از نسخه‌ی اسپانیایی‌اش رونمایی شد، به روایت فروغلتیدن آمریکای لاتین در چاه ویل فلاکت می‌پردازد و این سؤال را مطرح می‌کند که «دقیقاً در کدام لحظه آمریکای لاتین خود را به گا... داده بود؟»

بارگاس یوسا در این اثر به‌دنبال پاسخ این پرسش کلیدی است که قطار سیاست در آمریکای لاتین دقیقاً چه زمانی از ریل خارج شد. وی برای پاسخگویی به این سؤال به سال ۱۹۵۴ و مداخله‌ی ایالات متحده در مناسبات گواتمالا و سقوط دولت مردمی خاکوبو آربنز رجوع می‌کند. بارگاس یوسا معتقد است: «شخصیت

۱. کتاب گفت‌وگو در کاتدرال، ترجمه‌ی عبدالله کوثری، صفحه‌ی ۱۷، ۱۳۸۴، انتشارات لوح فکر. - م.

به احتمال فراوان، دو شخصیت تأثیرگذار در سرنوشت گواتمالا، و به طور قطع سراسر آمریکای مرکزی در قرن بیستم، به رغم ناشناخته بودن در میان عموم مردم و غفلت کتاب‌های تاریخی، ادوارد ال. برنیز^۱ و سام زموری^۲ هستند، دو شخصیتی که از نظر خاستگاه، خلق و خو و استعداد چندان تفاوتی باهم ندارند.

زموری در سال ۱۸۷۷ در جایی نه‌چندان دور از دریای سیاه متولد شد. از آنجا که یهودی بود و تولدش با نسل‌کشی‌های فجیع در سرزمین روسیه مصادف شده بود، پیش از آنکه تحت سرپرستی خاله‌اش به پانزده‌سالگی برسد، به آمریکا گریخت و در خانه‌ی یکی از اقوام در سلما^۳، آلاباما^۴، ساکن شد.

ادوارد ال. برنیز نیز به خانواده‌ای از یهودیان مهاجر تعلق داشت اما از طبقه‌ی اجتماعی و اقتصادی بالاتر، حتی شخصیتی پُرآوازه در خاندانشان داشتند: عمویش، زیگموند فروید^۵. به رغم اینکه هر دو یهودی بودند، گرچه التزام چندانی به کیش خود نداشتند، بسیار باهم متفاوت بودند. مایه‌ی مباهات ادوارد ال. برنیز بود که پدر علم روابط عمومی شناخته شود، تخصصی که اگر تا آن زمان هم اختراع

1. Edward L. Bernays
2. Sam Zemurray
3. Selma
4. Alabama
5. Sigmund Freud

نشده بود او را قادر می‌ساخت این رشته را (به هزینه‌ی گواتمالا) به قله‌های دست‌نیافتنی برساند، تا جایی که آن را به مهم‌ترین سلاح سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قرن بیستم تبدیل کند. این قطعاً تحقق پیدا می‌کرد، گرچه اغلب، خودشیفتگی او به مبالغه‌هایی و سواس‌گونه منجر می‌شد. نخستین دیدارشان در سال ۱۹۴۸ اتفاق افتاد و این سرآغاز همکاری مشترکشان بود. سام زموری تقاضای جلسه‌ای کرده بود و برنیز در دفتر کوچکش که در آن ایام در مرکز منهن واقع بود با او دیدار کرد. احتمالاً این مرد زمخت بدلباس، بدون کراوات و با صورت اصلاح‌نکرده با کتی رنگ‌ورورفته و چکمه‌های ساق‌کوتاه مناسب صحرا، به محض ورود چندان تاثیری بر برنیزی نگذاشت که کت و شلوار شیک می‌پوشید، در حرف زدن بسیار محتاط بود، عطر یاردلی^۱ استفاده می‌کرد و خلق و خوی اشرافی داشت. زموری برای معارفه خطاب به مدیر تبلیغات گفت: «سعی کردم کتاب پروپاگاندای^۲ شما رو بخونم، اما چیز زیادی دستگیرم نشد.»

با مشقت فراوان انگلیسی حرف می‌زد و جان می‌کند، گویا به هر کلمه شک داشت.

برنیز با لحنی پوزش طلبانه توضیح داد: «برخلاف نظر شما، این کتاب به زبانی بسیار ساده و فهمیدنی برای هر باسوادی نوشته شده.»

مرد تنومند بدون کوچک‌ترین رنجشی پاسخ داد: «احتمالاً مشکل از منه. بدون تعارف، اصلاً اهل مطالعه نیستم. دوران کودکی که روسیه بودم، به ندرت مدرسه رفتم و هیچ‌وقت انگلیسی رو کامل یاد نگرفتم، که خب خودتون حتماً تابه‌حال متوجه این موضوع شدین. این وضعیت موقع نوشتن نامه بدتر هم می‌شه، تمامشون پُر از غلط‌های املائی‌ان. من بیشتر اهل عملم، نه کار فکری.»

برنیز نشان داد می‌خواهد از صندلی بلند شود و گفت: «خب، در این صورت

۱. Yardley: برند انگلیسی محصولات بهداشتی و آرایشی. - م.